

در هم ریختگی و آشفتگی. از این روی خواننده جستجوگر باید تمام صفحات را به دقت بنگرد و از آگاهیهای آن سود جوید.

۱۴- ذکر المعتزلة

(چاپ شده در کتاب: فضل الاعتزال وطبقات المعتزلة). ابی القاسم عبدالله البلخی. متوفای ۳۱۹. تحقیق فؤاد سید. تونس ۱۹۷۴ م.
کتاب فضل الاعتزال حاوی سه اثر است: (۱) طبقات المعتزلة از قاضی عبدالجبار (م ۴۱۵ ق) (۲) طبقة یازده و دوازده از کتاب شرح عیون المسائل از حاکم جشمی (م ۴۹۴ ق). (۳) ذکر المعتزلة. آنچه اینک در پی معرفی آن هستیم، یک باب از کتاب بلخی، با عنوان مقالات الاسلامیین است که محقق نسخه ای از آن را در یمن یافته و اقدام به نشر آن کرده است.

اثر مزبور با یادکرد عقایدی آغاز می شود که معتزله در اعتقاد بدانها توافق دارند؛ آنگاه با یادکرد عالمان معتزله کتاب ادامه می یابد. مؤلف پس از یادکرد رجال معتزله، آراء و اندیشه های ویژه آنان را یاد می کند و از این راه ضمن عرضه شرح حال عالمان معتزله، با دقت تمام آراء و عقاید اختصاصی آنان را نیز ارائه می دهد. نخست از پیشروان مکتب اعتزال: واصل بن عطاء و عمرو بن عبید، و بنیاد گذاری آنان سخن می گوید؛ و آنگاه به شرح حال دیگران می پردازد.

در گزارش شرح حال عالمان، مؤلف سعی کرده است تا عالمان یک شهر را به ترتیب زمانی یاد کند. همچنین اسامی شهرهایی که معتزله در آن فراوان بوده اند نیز آورده شده است؛ مانند خوزستان و کرمان (ص ۱۱۳). از آنجا که مؤلف این اثر معتزلی است، کوشیده تا بسیاری از محدثان قرن اول و دوم را معتزلی معرفی کند. بیشتر این افراد کسانی هستند که رجالیان اهل سنت (اهل حدیث) آنان را متهم به قدریه کرده اند. (کان یری القدر. ص ۱۰۱ و ۱۰۸...)

بحث درباره وجه تسمیه معتزله و یادکرد نمونه هایی از خروج معتزله علیه حاکمان زمان و همراهی آنان با ابراهیم بن عبدالله الحسن - برادر نفس زکیه - از مطالب دیگر کتاب است. اثر حاضر به روی هم خواندنی است و اطلاعات سودمندی از معتزله را فرادید خواننده می نهد.

۱۵- الرد علی الجهمیة

ابی سعید عثمان بن سعید الدارمی (م ۲۸۲). تحقیق، مقدمه، فهرس: (Gosta vitestam) لیدن، ۱۹۶۰. ۱۰۴ ص.

گزیده کتابشناسی توصیفی فرق اسلامی

بخش دوم

رسول جعفریان

۱۳- الحور العین

(۲۱۵-۱۳۶). الأمير العلامة ابوسعید بن نشوان الحمیری. متوفای ۵۷۳. تحقیق کامل مصطفی.

در آغاز این اثر، رساله ای تحت عنوان الحور العین (ص ۲۹-۵۰) آمده و سپس در سراسر متن کتاب به شرح و توضیح رساله یاد شده پرداخته است. بخش مهمی از این کتاب به ملل و نحل اختصاص یافته و در صفحات دیگر آن نیز به گونه پراکنده و بدون نظم و ترتیب، مطالب سودمندی در این موضوع می توان یافت. تا صفحه ۱۴۱ کتاب یاد شده به معرفی فرق غیر اسلامی پرداخته شده و آنگاه به شناسایی فرق اسلامی پرداخته است. مؤلف در یک تقسیم بندی کلی از شش فرقه یاد می کند: معتزله، مرجئه، شیعه، خوارج، حشویه، عامه؛ وی در موارد بسیاری از خوارج سخن می راند. مؤلف زیدی مذهب است و از این روی درباره زیدیه مطالب فراوانی آورده است (۱۸۴-۱۸۹). اطلاعات او در زمینه زیدیه نکات جالبی نیز در بر دارد، و یاد کردش از تاریخچه اسماعیلیه در یمن از آن روی که مؤلف پمنی است مطالبی خواندنی و سودمند به دست می دهد. در بیان وجه تسمیه فرقه ها نیز نکاتی سودمند دارد و در مجموع، این بخش از کتاب درباره موضوع مورد گفتگو اطلاعات ارزشمندی دارد؛ اما بدون ترتیب خاص و یا

احمد، علی بن حسین الشریف المرتضی. دراسة و تحقیق: محمد عمارة. جلد اول.

مجموعه سئالی که در ضمن این کتاب آمده است، گویانکه مستقیماً درباره فرق و مذاهب نیست؛ اما بحثهای اعتقادی دقیقی از باورها و اندیشه‌های فرقه‌ها دارد که در شناخت برخی از آنها سودمند است. رساله اول نگاهشسته حسن بصری است که خطاب به عبدالملک بن مروان درباره قدر نوشته است و به «رسالة فی القدرية» موسوم است. حسن بصری این رساله را در پاسخ به کسانی نگاهشسته است که او را به قدری بودن متهم می ساختند. وی کوشیده است تا اعتقادش را بر اساس آیاتی چند به اثبات رساند.

رسالة بعدی که بسیار کوتاه است، با عنوان «اصول العدل والتوحيد»، به تبیین نقش عقل در شناخت معارف الهی و رد شبهه پرداخته است. رساله سوم با عنوان «العدل والتوحيد ونفی التشبيه عن الله الواحد الحمید»، به رد شبهه پرداخته است. مؤلف آیاتی را که ظاهراً نشانگر تشبیه اند آورده و به تفسیر و تأویل آنها پرداخته است.

بخش دیگر آن رد بر مجتبه است. مؤلف تفسیر معتزله از قدریگری مجتبه را تلقی به قبول کرده و در نقد آن سخن رانده است. این بحث نیز بیشتر جنبه تفسیری دارد. در بخشهای دیگر رساله، در رد مرجئه، تبیین منزله بین المنزلتین، توبه، ماهیت ایمان و... بحث شده است. سپس در رساله دیگری مشتمل بر یک صفحه، به توضیح مختصری از اصول خمس (توحید، عدل و...) پرداخته است. در رساله دیگری با عنوان «الرد علی المجتبه»، به تفصیل آیاتی را که ظاهراً نشانگر جبر هستند، مورد تفسیر و تأویل قرار داده است. (این سه رساله از قاسم رسی است). در رساله ششم و در ضمن دو صفحه، درباره توحید سخن گفته شده است.

رسالة هفتم از قاضی عبدالجبار و تحت عنوان «المختصر فی اصول الدین»، عهده دار بحثی مختصر از اصول عقاید معتزله است و پس از بیان اصول، به نقد اندیشه کلابیه پرداخته است. بحث از رویت و اراده از مباحث دیگر این رساله است. این مجلد با رساله سید مرتضی - ره - و با عنوان «انقاد البشر من الجبر والقدر» پایان می یابد. این رساله مستقلاً به بحث مهم قضا و قدر پرداخته و ابعاد مختلف جبر و اختیار را تبیین کرده است. آراء و اندیشه‌های فرقه‌های دیگر نیز در این رساله به طور پراکنده آمده است. رساله شریف مرتضی در شصت صفحه، در ضمن این اثر آمده است. این رساله ضمن مجموعه رسائل شریف مرتضی نیز چاپ شده است. (رسائل الشریف المرتضی. قم، دارالقرآن، ج ۲ ص ۱۷۸).

کتاب یاد شده از کهنترین منابع رد جهمیّه است. مؤلف با اشاره به گفته ابن مبارک که «نقل کلمات یهود و نصارا سزاوارتر از نقل گفتار جهمیّه است»؛ از یاد کرد عقاید آنان سرباز زده و تنها به گزارش اعتقاد آنان به «تعطیل» بسنده کرده است.

مؤلف پس از این با شتاب به اثبات صفات خداوند پرداخته و با عرضه روایاتی - به اجمال - اعتقاد جهمیّه را مطرح کرده و از آنان به «العصاة الملحده» یاد کرده است. باب اول این اثر درباره ایمان به عرش است (ص ۸)؛ و مؤلف در ضمن آن کوشیده است تا وجود عرض را که در قرآن بدان اشاره شده، با استناد به روایات ثابت کند. او از این نظریه جهمیّه نگران است که عرش را مجموع آسمانها و زمین و میان آنها دانسته اند (ص ۹). استواری رحمان بر عرش، باب بعدی است که در ضمن آن با عرضه روایاتی به نقد آراء جهمیّه پرداخته؛ گویانکه مؤلف به مادی بودن عرش تصریح نمی کند؛ ولی به روشنی پیداست که مطالب را در آن جهت می نگارد. مؤلف در باب بعدی از این اثر تحت عنوان «باب الاحتجاب و باب النزول»، به عصای الملحده! حمله می کند که معتقدند خداوند همیشه با ملائکه است. آنگاه تلاش می کند که ضمن مکانی جلوه دادن احتجاب، مکان ویژه‌ای برای خداوند دست و پا کند! وی پس از ذکر روایات نزول خداوند؛ عناوینی چون نزول در نیمه شعبان و... به دست داده است. در باب بعدی که باب الرویة است، با آوردن روایات رویت نشان می دهد که وی در این گونه بحثها بر ماثورتکیه می کند و بحثهای عقلانی را بر نمی تابد (ص ۵۶).

در باب «ذکر علم الله تعالی»، نگرانی خود را از معتقدان به تعطیل ابراز می کند و از اینکه آنان به علم سابق خداوند باور ندارند و صرفاً به علم خداوند پس از خلق اعتراف دارند، انتقاد می کند (ص ۶۵). در باب بعدی کلام الله را با عرضه آیات و روایاتی مطرح کرده است؛ و آنگاه به ارائه مطالبی می پردازد که به پندارش استدلالی است علیه جهمیّه. در ادامه این بحث در ضمن بابی مستعمل به اثبات قدمت قرآن می گراید و آنگاه از «واقفه» سخن می گوید که در مقابل مخلوق بودن و حادث بودن آن توقف کرده اند. ابواب پایانی کتاب در اثبات کفر جهمیّه، و وجوب توبه دادن آنان است. مصحح کتاب مؤخره‌ای مفصل به زبان آلمانی آورده شرح حال مؤلف را از تاریخ دمشق نقل کرده است.

۱۶- رسائل التوحید والعدل

الامام الحسن البصری، الامام القاسم الرسی، القاضی عبدالجبار بن

۱۷- رسائل العدل والتوحيد

الأمام يحيى بن الحسن. دراسة وتحقيق: محمد عمار. جلد دوم. در الهلال.

نویسنده از عالمان و نویسندگان زبیدی است که به سال ۲۴۵ متولد شده و در سال ۲۹۸ درگذشته است. این مجموعه حاوی رساله‌هایی است در موضوعات مختلف. رساله اول با عنوان «الرد علی المجترة القدريّة» است که در بخش اول آن با پاسخگویی از آیات مورد استناد مجتبه پرداخته و در بخش دوم، ادله قرآنی دیدگاه عدلیه را ارائه داده است؛ آنگاه به بحث عقلانی در تأیید اهل العدل پرداخته است.

رساله دوم به بحث از مقولاتی چون توحید، عدل، وعده و وعید، ایمان به پیامبر، امامت علی-ع- و جانشینان وی پرداخته و اشاراتی به پیدایش روافض شده است. امر به معروف و نهی از منکر، هدایت، ضلال و... از دیگر مباحث این رساله است. رساله بعدی - که صفحات زیادی از کتاب را گرفته است - نقد و ردی است بر کتاب حسن بن محمد بن حنفیه، در اثبات جبر و با عنوان «الرد والأحتجاج علی الحسن بن محمد بن حنفیه». در این رساله به چهل و سه مشکل طرح شده از سوی حسن بن محمد پاسخ داده شده است. مسائل مطرح شده با توجه به اینکه اصل کتاب مورد نقد در اختیار مؤلف بوده و از قرن دوم باقی مانده است؛ در شناخت تلقی معتزله از دیدگاه قدریان و برخی آراء دیگر بسیار سودمند است.

رساله بعدی با نام «الجملة»، مختصری است در شناخت دین و اصول آن. پایان بخش این مجلد رساله‌ای است در رد مشبهه.

۱۸- الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع

والزندقة

احمد بن حجر الهیثمی (م ۹۷۴). تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف. مکتبه القاهرة، ۱۹۶۵.

اثر حاضر به انگیزه نقد و رد آراء و اندیشه‌های شیعه، و فراتر از آن در اثبات خلافت خلیفه اول نگاشته شده است. از این روی کتاب حاضر درباره فرق نیست؛ اما بدان جهت که آراء و افکار شیعه - و به تعبیر وی روافض - را می آورد و از نحله‌های مختلف درباره خلافت یاد می کند؛ در شناخت فرق سودمند تواند بود. وی بخشی از کتاب را به حیات خلفاء، و بخش دیگر را به حیات ائمه-ع- اختصاص داده است. نکته جالب این بخش در این است

که مؤلف حدیث پیامبر را در مورد اینکه جانشینانش دوازده نفرند آورده و می پذیرد؛ ولی می کوشد تا آن را توجیه کند (ص ۲۶). و برخلاف دیگر اهل سنت که معتقد به انتخاب هستند؛ مؤلف تلاش عبثی کرده است تا خلافت ابوبکر را منصوص جلوه دهد (ص ۲۹).

آنچه در این کتاب جلوه می کند از باب هشتم به بعد است که به بیان فضایل اهل بیت پرداخته شده است. مؤلف می خواهد نشان دهد که فضایل را می پذیرد؛ ولی این فضایل برای اثبات امامت مفید نتواند بود. از این روی بخشهای مزبور این اثر، دستمایه و مصدری برای فضائل اهل بیت در آمده است. عالمان و محققان شیعه علیه اثر یاد شده کتابهای متعددی نوشته اند که مهمترین آنها الصوارم المهرقة، اثر مرحوم قاضی نورالله شوشتری است. چاپ یاد شده گویا نسبت به چاپ پیشین آن که به قطع نیمه رحلی در مصر صورت گرفته بود، کاستیهای دارد.

۱۹- الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف

رضی الدین علی بن موسی بن طاووس الحسینی. (م ۶۶۴). تحقیق:

السید مهدی الرجائی. قم، مطبعة خیتام

کتاب یاد شده از آثار قابل توجه و ارزشمند قرن هفتم هجری است و به قلم یکی از عالمان مشهور شیعه نگاشته شده است. این کتاب نیز مستقلاً درباره فرق و مذاهب نیست؛ اما اطلاعات سودمندی در این زمینه دارد. مؤلف در بخش اول این اثر و با استناد دقیق به منابع کهن عامه و به تفصیل از فضایل علی-ع- بحث کرده و در ضمن آن به نقد و بررسی دیدگاه عامه در امامت پرداخته است. در بخش دوم از عقاید اهل سنت گفتگو کرده است. وی اصحاب مالک، شافعی و احمد بن حنبل را از مجتبه می داند؛ از این روی دیدگاههای مشتمل بر جبر را نقل و نقد کرده است. (ص ۳۰۸-۳۴۴).

پس از آن به شرح عقاید مجسمه می پردازد و روایات متعدد حنابله را درباره تجسیم نقل می کند. بحث از عصمت انبیاء از دیدگاه اهل سنت، امامت، وصایت، عدم صلاحیت امت برای انتخاب خلیفه و... از مباحث دیگر کتاب است. پایان بخش کتاب فصلی است مفصل از انتقاداتی که شیعه بر اعمال و کردار خلفای ثلاثه دارند. محقق در پانوشتها، غالباً منابع روایات را نشان داده و گاهی نسخه بدلها را نیز ضبط کرده است.

۲۰- العثمانیة

ابی عثمان عمرو بن بحر الجاحظ (۱۵۰-۲۵۵). تحقیق عبدالسلام

محمد هارون، مصر، ۱۳۷۴.

جاحظ، کتاب حاضر را به انگیزه ردّ بر شیعیان نگاشته و محتوای آن نیز تکیه بر فضایل عثمان و برتری وی بر علی علیه السلام است.

اما عملاً اثر زیاد شده به خلفای سه گانه و اثبات فضیلت و برتری آنها پرداخته است. جاحظ با اینکه معتزلی است و اعتزالیان در این مسئله یا به برتری علی -ع- معتقدند و یا متوقفند و لیک عملاً با نگارش این کتاب در این مسأله از آنان جدا شده؛ گویانکه او در واقع از معتزله بصره بوده است و نه بغداد. و گروه اول متمایل به عثمان و گروه دوم متمایل به شیعه بودند.

به هر حال مؤلف بحث را با پندار تقدّم ابوبکر بر علی -ع- می آغازد و در ضمن آن با عرضه آراء روافض، به ردّ آنان می پردازد. کتاب قبل از سال ۲۴۰ نگاشته شده (زمان امام حسن عسکری -ع-) است و از لابلای صفحات آن کثرت شیعیان را به خوبی توان یافت. در صفحات دیگر کتاب به بحث از اسلام علی -ع- و سنّ او، فضایل خلفا و علی، و نقش آنان در حوادث صدر اسلام پرداخته است. ابوجعفر اسکافی (م ۲۴۰)، در زمان جاحظ ردّی بر العثمانیه نگاشته که اینک اصل آن در دست نیست؛ ولی بخشهای مهمی از آن در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید آمده است. محقق کتاب این موارد را در صفحات ۲۸۱ تا ۳۴۳ نقل کرده است. بر کتاب جاحظ نقد محکم ورد استوار دیگری نیز با عنوان بناء المقالة العلویة فی نقض الرسالة العثمانیة، و به قلم ابوالفضائل احمد بن موسی بن طاووس حسنی (م ۶۷۳) نگاشته شده است که اینک مراحل نهایی طبع و نشر را می گذراند. افزون بر اینها عالمان دیگری نیز به نقد و ردّ آن پرداخته اند رک: تراثنا، شماره ۶ ص ۳۶-۳۴.

۲۱- عیون الاخبار

این فتیبه (۲۱۳-۲۷۶). بیروت، دارالکتاب العربی. ج ۳، ص ۱۴۰-۱۵۵

عیون الاخبار از جمله آثار ادبی و کشکول ماندی است؛ آکنده از مطالب گونه گون و در موضوعات مختلف؛ مانند عقد الفرید ابن عبد ربّه اندلسی، ربیع الابرار زمخشری و...

در جلد دوم این کتاب با عنوان «الأهواء والكلام فی التین»، اشاره ای است به برخی از مطالب درباره فرقه های مختلف. اغلب این مطالب مربوط به شیعه است. ابتدا مناظره ای را از امام رضاع -ع- با مأمون آورده است و پس از آن سخن معروف ابویوسف را می آورد

که: من طلب الدین بالكلام تزندق (ص ۱۴۱). اشاره ای به مذهب جبر، اشعاری از کثیر و سید حمیری در مذهب کیسانی، شعری درباره غلاة شیعه، مناظره ای از هشام بن الحکم، و شعری از ابوهریره العجلی درباره امام باقر -ع- از مطالب دیگر این باب است. باب دیگری نیز دارد با عنوان الرد علی الملحدين که در آن مناظراتی از هشام بن الحکم با موبد زرتشتیان نیز آمده است.

محققان کتاب با مراجعه به کتابهای ملل و نحل و نگاشتن پانوشتهای توضیحی، بر سودمندی این اثر افزوده اند.

۲۲- الفصل فی الملل والاهواء والنحل

ابی محمد علی بن احمد بن حزم الظاهری، بیروت، دارالمعرفة، ۱۹۷۵.

کتاب حاضر از مشهورترین آثار در شناخت فرقه ها و نحله هاست. ابن حزم در این اثر تنها به گزارش بدون نقد بسنده نمی کند و در جای جای آن درباره افکار و آرائی که عرضه می کند، داوری نیز می نماید. کتاب را با ردّ و نقد دیدگاه کسانی که معتقد به قدم عالم هستند، می آغازد. سپس عقاید یهودیان را آورده و به نقد می کشد؛ آنگاه به بحث از نصارا و تناقضات انجیل موجود پرداخته است؛ و سرانجام به بحث درباره فرقه اسلامی می پردازد.

ابن حزم فرقه اسلامی را به پنج گروه تقسیم می کند: اهل السنه، معتزله، مرجئه، شیعه، خوارج. پس از آن کلیاتی را در وجه افتراق کلی این فرقه ها با اهل سنت بیان می کند و به تبیین عقاید مختلف در باب توحید و تشبیه می پردازد گویانکه کتاب حاضر بیشتر بر محور عقاید شکل یافته است؛ اما از یاد کرد فرق و توضیحاتی درباره نحله ها نیز خالی نیست. مؤلف در صفحه ۱۱۶ (جزء دوم)، اشاره می کند که تقسیم بندی فرقه ای را در کتابی با عنوان النصائح المنجیة من الفصائح المحزیه آورده است. آنچه مؤلف از آن یاد کرده است در جزء چهارم کتاب حاضر (ص ۱۷۹ تا ۲۲۷) نیز آمده است. این بخش از کتاب شامل بحثهایی است از شیعه، معتزله، خوارج، مرجئه و... بحثهایی درباره قضاء و قدر، اعجاز و وعد و وعید، عصمت انبیاء، امامت از دیگر مباحث کتاب است.

ابن حزم با جزم اندیشی ظاهر گرایانه بسیاری از جریانها و نحله هایی را که چون او نمی اندیشند به چوب تکفیر و تفسیق می راند. اندیشه ها و آراء او از دیدگاه نقادانه متفکران بعد به دور نمایده است.

۲۳- الفصول المختارة من العيون والمحاسن

الشيخ المفيد، قم، مكتبة الداوری.

اثر حاضر گزیده‌ای از کتاب مفصلتر شیخ مفید با عنوان العیون والمحاسن است. عمده مباحث این اثر مشتمل بر مناظرات شیخ مفید با مخالفان فرقه‌ای خود درباره خلافت و امامت است. در لابای کتاب مطالب سودمندی درباره برخی از فرقه‌ها و عقاید ویژه آنها توان یافت. بحث در معنی کلام و متکلم (ص ۴۵)، نقل کلامی از ابن الخیاط در ابطال دیدگاه مرجئه در شفاعت (ص ۴۷)، مناظره‌ای در مسأله غیبت و دیدگاه شیعه درباره آن، معنای رجعت و مناظره‌ای درباره آن؛ از جمله مباحث کتاب است. همچنین در ضمن آن بسیاری از افکار و اندیشه‌های فرقه‌های مختلف نیز آمده است. آنچه در این کتاب ارتباط مستقیم با موضوع ما دارد. مطالبی است که در صفحات ۲۳۹-۲۶۶ آمده است. در این صفحات نخست تعریفی از امامیه به دست داده شده و آنگاه اشاره‌ای به مذهب کیسانیه و سردی بازار آن در عصر مؤلف شده است.

اختلافات پس از امام صادق-ع- ظهور و بروز فرقه‌های مختلف، و نیز آنچه پس از امام هفتم و هشتم-ع- به وجود آمده، از دیگر مباحث کتاب است. مرحوم شیخ مفید در تمام مباحث از جایگاه متکلمی سترگ وارد آوردگاه می‌شود و استوار و راست قامت بیرون می‌آید. وی از جمله عالمان بزرگ شیعی است که در شناخت فرقه‌ها و نحله‌ها ید طولایی داشته و آثار ژرفی نگاشته است که متأسفانه بسیاری از آنها در دست نیست. بیشترین همت وی در این بحثها شناساندن مذهب شیعه و حراست از مرزهای اندیشه‌های مکتب علوی بوده است.

۲۴- فضل الاعتزال وطبقات المعتزلة ومباينتهم لسائر المخالفين

قاضی عبدالجبار، (م ۴۱۵)، تحقیق: فؤاد سید. تونس.

نویسنده از مشهورترین عالمان معتزله است که در اوج شکوفایی علوم اسلامی می‌زیسته است. نگارش این اثر چنین بوده است که یکی از حاکمان خوارزم، ابوالعباس مأمون بن مأمون (م ۴۰۷) مذهب اعتزال را می‌پذیرد. از این روی شیخی از آن دیار از مؤلف می‌خواهد تا کتابی در این زمینه بنگارد؛ و او در پاسخ وی این کتاب را می‌نویسد. اولین بحث وی حجیت استدلالهای عقلانی است و فصل بعد نشانگر آنکه عقل مؤید اندیشه آنان است. او عقاید

اعتزال را در باب توحیدی می‌آورد و از صفت عدل نیز بحث می‌کند. مؤلف بحث را با ریشه‌های اختلاف مسلمانان ادامه می‌دهد و ضمن یاد کرد نمونه‌های تاریخی آن، آغاز اختلاف را در باره عثمان دانسته است.

دومین عامل اختلاف را پیدایش پدیده جبر در زمان معاویه می‌داند و سپس از مفاصدی که بنی امیه با اعتقاد به جبر بوجود آورده‌اند، سخن می‌گوید. آنگاه با استناد به روایات، به نقد اندیشه جبریگری می‌پردازد (ص ۱۴۱-۱۴۵). از نکات قابل توجه کتاب عبدالجبار توجه به ریشه‌های پیدایش انحرافها و نحله‌هاست که غالباً می‌کوشد تا مدعای خود را با روایاتی تثبیت کند. پیدایش مرجئه و چگونگی گرایشهای آنان و تبیین عقاید افراطیشان از فصول دیگر کتاب است. سپس به مسأله خلق قرآن براساس اندیشه معتزله می‌پردازد و قائلین به عدم خلق قرآن رامشبهه می‌خواند. در پایان مباحث یاد شده به پیدایش اشاعره و گزارش از دیدگاه آنان درباره رؤیت پرداخته شده است. (ص ۱۴۹-۱۵۸).

۲۵- الفرق المفرقة بين اهل الذبيغ والزندقة

ابی محمد عثمان بن عبدالله بن الحسن العراقی الحنفی. تحقیق:

الدكتور یشار قوتلوی. آنکارا، ۱۹۶۱.

مؤلف پس از مقدمه کتاب با اشاره به حدیث معروف پیامبر در باره تفرق مسلمانان؛ فرقه‌ها را به شش فرقه اصلی تقسیم می‌کند: ناصبیه، رافضه، جبریه، قدریه، مشبهه و معطله. آنگاه هر یک از فرقه‌ها را به دوازده فرقه تقسیم می‌کند و سپس با افزودن فرقه‌ای به عنوان فرقه ناصبیه، مجموعاً هفتاد و سه فرقه در پی هم می‌آورد.

مؤلف چون اساس کتاب را به وجود هفتاد و سه فرقه نهاده و کوشیده است که این مجموعه را از شش فرقه یاد شده بیرون کشد؛ در تکمیل فرق به تنگنا افتاده و به جعل فرق پرداخته اسامی گونه‌گون دست یازیده است.

مثلاً برای ناصبیه که به تعبیر وی خوارج هستند؛ کوزیم و شمراخیه نیز تراشیده است. شیوه مؤلف آن است که ابتدا عقاید و آراء فرقه‌ها را می‌آورد و آنگاه به نقد و رد آن می‌پردازد. از این روی در این کتاب می‌توان تفصیلی در باب عقاید گروهها، بویژه در زمینه‌های فقهی پیدا کرد. پس از گروه خوارج از روافض سخن رفته است و از آنان به عنوان امامیه و غلاة و زیدیه نیز یاد کرده است. وی پس از طرح دوازده فرقه از روافض و افزودن سازی دو فرقه دیگر بر این مجموعه، این بخش را پایان می‌برد (ص ۴۳).

سخن قدریه و معنا و مصداق آن فرقه‌های گونه‌گون که عمدتاً

۲۷- القرامطه

عبدالرحمن بن جوزی (م ۵۹۷)، تحقیق محمد الصباغ، بیروت، منشورات المکتب اسلامی، ۱۳۹۰، ۷۲ ص.

این کتاب گزینشی است از تاریخ بزرگ ابن جوزی با عنوان المنتظم. قرامطه اصطلاح دیگری است از گروهی از اسماعیلیان که ابتدا در واسط و سپس در بحرین قدرت را فراچنگ آوردند و در قرن چهارم شهرتی فزونی یافتند. مستشرقان دربارهٔ ارتباط آنان با اسماعیلیه، فراوان بحث کرده‌اند. این کتاب مجموعهٔ اظهارنظرهایی است که ابن جوزی در ضمن بیان حوادث مختلف به آن اشاره کرده است. مؤلف از متعصبان اهل سنت است باز این روی اسماعیلیان را یکسره با مجوسیان و مزدکیان یکسان شمرده است و هویت اصلی قرامطه را ادیان مجوس می‌داند. بحثی در وجه تسمیه‌های مختلف که اسماعیلیان بدانها شهرت داشته‌اند، چگونگی دعوت آنان از مردم به مذهب خود، و گزیده‌ای از عقاید آنان، از جمله مطالب دیگر کتاب است.

۲۸- فضایح الباطنیه

ابوحامد محمد الغزالی (م ۵۰۵)، تحقیق: عبدالرحمن بدوی، مصر، ۱۹۶۴، ۲۲۵ ص.

کتاب حاضر در روزگاری نوشته شده که باطنیه حزبی مقتدر بود و در ایران و مصر و سوریه با توانمندی خلافت عباسی را تهدید می‌کرد. باطنیه عنوان دیگر اسماعیلیان است که یکی از شعب شیعه بشمارند. غزالی در موارد بسیاری از آثار خود علیه باطنیه سخن گفته است؛ ولی اثر حاضر با دیدگاهی ویژه و لحنی گزنده یکسره علیه باطنیه است.

غزالی در مقدمهٔ کتاب اشاره می‌کند که کتابهای فرق غالباً به تاریخ و پیدایش فرق می‌پردازند. او این کار را وظیفهٔ اهل تاریخ می‌داند و معتقد است که عالمان شرع - اشاره به امثال خودش - باید تنها به عقاید رسیدگی کنند (ص ۹). از این روی وی به ریشهٔ تاریخی اسماعیلیه نمی‌پردازد؛ بلکه یکسره به سراغ آراء و اندیشه‌های آنان می‌رود. غزالی در آغاز، سخن این حزم را آورده است که عقاید اینان ریشه در ثنویت دارد. سپس بحث رادامه می‌دهد و در فصل اول عهده‌دار بحث از وجه تسمیهٔ این فرقه‌ها شده است، که بسیاری مانند بابکیه، خرم‌دینیه و... از سوی دشمنان آنها نسبت داده شده است. باب سوم که مباحثی جالب و خواندنی دارد، شیوه‌ها و حیل‌های باطنیه را در جذب افراد بیان می‌کند. باب چهارم ویژهٔ عقاید آنان است که در چهار بخش آمده است:

فرقه‌های اعتزالی‌اند می‌باید کتاب است. پس از قدرته از جبریه گفتگو کرده که غالباً نامهای تازه است: الخوفیه، الفکریه، الکسلیه و... وی در این بحث فرقهٔ المفروغیه از جبریه را به یهود منتسب کرده است (ص ۶۵). فرقهٔ بعدی مشبهه است که ابتدا از عقایدشان سخن رفته و سپس از فرقه‌های سارقیه، تارکیه، لحدیه و... یاد شده است (ص ۸۵). معقله آخرین فرقه‌ای است که بدان پرداخته شده است و در ضمن آن از جهمیّه و زناده و قرامطه نیز سخن رفته است. پایانی بخش کتاب فصلی است تحت عنوان «فی ذکر الکفره واصنافهم»، که بیانگر برخی از مذاهب غیراسلامی است. مؤلف بندرت بحث تاریخی دارد؛ اما گاهی به وجه تسمیه فرقه‌ها می‌پردازد.

۲۹- الفرق بین الفرق

عبدالقاهرین طاهر بن محمد (م ۴۲۹) تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، مصر، ۳۶۶ ص.

کتاب عبدالقاهر ویژهٔ فرقه‌های اسلامی است. وی بحثها را بر پنج باب تبویب کرده است: باب اول دربارهٔ حدیث پیامبر - ص - دربارهٔ افتراق امت اسلامی؛ باب دوم دربارهٔ چگونگی پیدایش و تقسیم فرق مسلمین به هفتاد و فرقه، و باب سوم در بیان تفصیل عقاید فرقه‌ها و اهل اهواء و اشتباهات فرق است. در این باب به تفصیل از فرق سخن گفته شده است. او ابتدا از روافض آغاز می‌کند که احتمالاً در زمان وی از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده است. (ص ۲۸-۷۲). پس از آن از خوارج و معتزله و مرجئه بحث کرده است. فرقه‌های نجارته و جهمیّه و بکرّیه، از فرقه‌هایی هستند که به اختصار بدانها اشاره شده است.

باب چهارم ویژهٔ فرقه‌هایی است که منسوب به اسلامند؛ ولی از دیدگاه مؤلف خارج از اسلامند. این کتاب با شهرتی که دارد، با توجه به آمیختگی آن به تعصب و یکسونگری، فاقد اعتبار علمی است. تلامذۀ امینی مطالب این کتاب را به نقد کشیده و بی‌اعتباری آنرا بر ملا ساخته است (الغدیر؛ ج ۳ ص ۹۱). گویا روی کار آمدن آل بویه و گسترش نفوذ شیعه در بغداد، در نگارش کتاب بی‌تأثیر نبوده است؛ چرا که صفحات کتاب روشنگر آن است که مؤلف در بی‌اعتبارسازی شیعه از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزد. محمد جواد مشکور کتاب را ترجمه کرده و با مقدمه و تعلیقات به سال ۱۳۳۰ به چاپ رسانده است. گزیدهٔ آن نیز به قلم عبدالرزاق دمینی و تصحیح فلیپ حتی به سال ۱۹۲۴ میلادی در مصر نشر یافته است.

الهیات، نبوت، امامت، حشرونشر (ص ۳۷). در فصلهای بعدی برخی از آراء فقهی و تأویلات باطنی گریانته آنان از ظاهر کتاب و سنت و استدلال به امور عددی آمده است. باب ششم نقل و نقد مثالهای مختلفی است که اسماعیلیان در ابطال نظر عقلی و اثبات تعلیم از معصوم آورده‌اند (ص ۷۳). در ادامه آن بحث نص بر امامت امت با تکیه بر جنبه‌های تاریخی و عقلانی آن آمده است (ص ۱۳۲). در باب هشتم مؤلف کوشیده است تا حکم شرعی تکفیر آنان را به ثبوت رساند. و آنگاه در باب نهم به اثبات امامت خلیفه وقت پرداخته و در باب دهم وظیفه مسلمانان را در مقابل امامت و حفظ آن بحث کرده است.

غزالی در این کتاب از الفرق بین الفرق بغدادی بسیار سودجسته است که پیشتر به آمیختگی آن به تعصب اشاره کردیم. بدوی در مقدمه به این تأثیر گسترده اشاره کرده است (صفحه د). همچنین تأثیر وی را از شهرستانی روشن ساخته است.

۲۹- الکافیة فی الرد علی الهارونی

(چاپ شده در مجموعه رسائل الکرمانی). احمد حمیدالدین الکرمانی (م ۴۱۱). تحقیق و تقدیم: الدكتور مصطفی غالب.

یکی از عالمان زیدی به نام هارونی حسنی در نقد دیدگاه اسماعیلیان گفتاری داشته که حمیدالدین کرمانی به نقد و رد آن پرداخته است. این رساله یازدهمین رساله از مجموعه ای است که مؤلف در موضوعات مختلف نگاشته است. (فهرست الکتب و الرسائل ... ۱۴۸-۱۴۴).

تنظیم رساله بدین صورت است که ابتدا با عنوان «عین المسأله»، اصل اشکال آمده و آنگاه نقد هارونی و سپس جواب حمیدالدین از وی آورده شده است. اولین مسأله این است که چرا اسماعیلیه برای عنوان ظاهر شرع، نظیر صلاة و زکات و ... باطن معتقدند. کرمانی می‌کوشد تا اعتقاد اسماعیلیان را بر ظواهر به اثبات رساند و کتابها و آثاری را نیز در این زمینه یاد می‌کند (ص ۱۵۱-۱۶۵). در صفحات بعدی کتاب، امامت مورد بحث قرار گرفته و با توجه به اینکه هارونی زیدی است، نص بر امامت را تنها درباره سه امام اول پذیرفته است. کرمانی جواب می‌دهد که چون امامی بر امام بعدی تصریح کند، این در واقع نص النبوی است. آنگاه مسأله غیبت مطرح شده است و سؤال از الحاکم بامر الله که از جنجالی‌ترین امامان اسماعیلیه است بعد از آن آمده است و پس از اینها عقیده اسماعیلیان نسبت به خلفاء آمده است. اثر حاضر مشتمل بر مباحث دیگری نیز درباره معاد و دیگر

مسائل دینی دارد؛ و در مجموع اثری است خواندنی. در این مجموعه رساله‌های دیگری نیز درباره اسماعیلیه آمده است.

۳۰- الکامل

ابی العباس محمد بن یزید المبرّد. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. مصر. ج ۳، ص ۱۶۳-۳۶۶.

الکامل از جمله آثار بسیار سودمند ادبی است که بخش اعظم جلد سوم آن به بحث درباره خوارج پرداخته است. خوارج گروهی هستند که به جهت دوری از مراکز فرهنگی و علمی، سهمی قابل توجه در فرهنگ و ادب اسلامی ندارند و بقایای آنان نیز هنوز به همین وضع گرفتارند. مبرّد نویسنده چیره‌دست قرن چهارم هجری به دلایلی که بر ما معلوم نیست، به تفصیل به شناسایی و شناساندن خوارج پرداخته است. مطالب مبرّد گویا اینکه بیشتر جنبه تاریخی دارد، اما مطالب فراوانی نیز در لابلاهی صفحات یاد شده درباره عقاید آنان آورده است. روشن است که در شناخت نحلّه‌ها و جریانهای فرهنگی و فکری و سیاسی، بررسی تاریخی نقش مهمی در بازشناسی دقیق ماهیت آنان خواهد داشت؛ و کتاب مبرّد از این لحاظ و با توجه به اینکه متنی است کهن و باقی مانده از قرن چهارم، بسیار سودمند تواند بود.

کمتر کتابی به تفصیل الکامل در میان آثار کهن درباره خوارج توان یافت؛ گویا اینکه قسمتهایی از طبری نیز مفید است. کتاب از آغاز پیدایش خوارج مطلب را می‌آغازد و با یاد کرد اخبار رواریی آنان با علی -ع- و ماجرای نهر روان ادامه می‌دهد، و در ضمن این مباحث به بسیاری از عقاید آنان و داوریه‌های فقها نسبت به خوارج اشاره می‌کند. سپس به تفصیل از نافع بن ازرق از چهره‌های برجسته خوارج، سخن می‌گوید و معمولاً ضمن یاد کرد شخصیتها، اشعاری از آنان می‌آورد که افزون بر ارزش ادبی، در شناخت عقاید و روحیات آنان سودمند است.

همچنین بر خورد بنی امیه و حجاج بن یوسف با خوارج از جمله مطالبی است که به تفصیل آمده است. مؤلف در مواردی بر اساس منابع خوارج، مطالبی آورده و برخی از نامه‌های آنان را به یکدیگر نقل کرده است که به لحاظ تاریخی و فکری شایان توجه است. در صفحات دیگر از درگیریهای خوارج با والیان بصره سخن رفته و از جنگهای مهلب نیز با خوارج به تفصیل یاد شده است.

۳۱- کشف اسرار الباطنیة

محمد بن مالک بن ابی الفضائل الحمادی الیمانی (اواسط قرن پنجم

هجری). تحقیق و تقدیم محمد بن زاهد الحسن الکوثری. مصر، ۱۹۵۵.
رساله‌ای است مختصر در رد اسماعیلیه که در پایان کتاب
التبصیر فی الدین اسفرایینی، در چهل صفحه به چاپ رسیده است.
وی با اشاره به عقیده معروف اسماعیلیان که هر مفهومی از مفاهیم
دینی ظاهری دارد و باطنی (و مثالهایی برای آنان نیز آورده است)؛
آنان را متهم به اباحیگری می‌کند که این تأویلات را ساخته و
پرداخته‌اند.

شیوه‌داعیان برای جلب و جذب مردم - که خواندنی و جالب
است - از مطالب بعدی کتاب است. سپس مؤلف با پرداختن به
منشأ تاریخی دُعات کوشیده است تا خطر آنها را روشن کند که
طبعاً محور بحث عبدالله بن میمون القداح است که خلفای اسماعیلی
را از نسل وی می‌داند و تلاشهای او را برای ترویج این مرام یاد
می‌کند و از چهره‌های دیگر نیز مانند ابی سعید الجنابی (رئیس
قرامطه)، حسن همدان، محمد بن زکریا، علی بن فضل الجدنی و...
یاد می‌کند. اتصال فرد اخیر به اسماعیلیان و برخوردها و تلاشهای
وی در این راه به تفصیل آمده است. همچنین نامه‌ای از ابوسعید
قرمطی به خلیفه بغداد در این رساله آمده است که نکات جالبی در
بر دارد و از بخشهای خواندنی رساله است. تاریخ پیدایش اسماعیلیه
و تشکیل دولت آنان در مغرب، از مطالب دیگر کتاب است، و پیوند
قرامطه با اسماعیلیه از نکات تازه و شایان توجه آن می‌باشد.

۳۲- لمع الأدلّة فی قواعد عقاید اهل السنّة والجماعة

امام الحرمین عبدالملک الجوبنی (۴۱۹-۴۷۸). تقدیم و تحقیق
الدکتورة فویة حسین محمود. مصر، ۱۳۸۵ هـ.
کتاب حاضر با مقدمه‌ای پژوهشگرانه از محقق کتاب درباره
زندگانی امام الحرمین و توضیح ابواب کتاب - که بسیار سودمند و
کارآمد است - می‌آغازد. متن کتاب نیز که مختصری است از عقاید
اهل سنت و از یکی از پیشوایان بزرگ آن، با بحث از حدوث عالم
آغاز می‌شود. قسمت دوم با عنوان الله و صفاته، ضمن توضیح
مطلب، به اقوال معتزلیان و دیگر مخالفان اشعری نیز پرداخته و
عقیده آنان را به نقد کشیده است. در ادامه این بخش، بحثی تحت
عنوان ذکر مایستحیل فی اوصاف الباری آمده است که بحثی است
از صفات سلبی خداوند. قسمت سوم مشتمل بر فصلی است با عنوان
ارادة الله و ارادة العبد. در قسمت چهارم با عنوان رؤیة الله، بر امکان
رؤیت خداوند با چشم سر استدلال عقلانی می‌کند (ص ۹۷-۱۰۱)

در قسمت پنجم با عنوان الرب والخلق، به بحث از توحید در
خالقیت پرداخته و با اشاره به اکتسابی بودن افعال بشر، به اثبات نبوت نیز
پرداخته است. معجزه و چگونگی آن، بحث بعدی است. و پایان
بخش کتاب نیز بحث از امامت است. مؤلف در این بحث به توجه
کردارهای معاویه می‌پردازد و افضلیت خلفای اربعه را بدان گونه که
به خلافت رسیده‌اند می‌داند! و سپس از شرایط امامت بحث
می‌کند.

۳۳- مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین

ابی الحسن علی بن اسماعیل الأشعری (متوفای ۳۳۰). تحقیق
محمد محیی الدین عبدالحمید. مصر، ۱۳۶۹ ق.

این کتاب از منابع کهن ملل و نحل است و از آن جهت که
نویسنده آن پیشوای مذهب اشعری است، بسیار قابل توجه است.
اشعری بحث را با اختلاف در امامت آغاز کرده است که از اولین
بحثهای مفصل وی در باره فرق شیعه است. اوشیعه را به سه گروه
غلاة و رافضه و زیدیه تقسیم کرده و با یاد کرد فرقه‌های آنان در مورد
مسائل اختلافی، از عقاید آن سخن گفته است. او غلاة را از رافضه
جدا می‌داند؛ اما برخی از فرق غلاة مانند بیانیه و حریبه را در ذیل
رافضه نیز یاد می‌کند. مؤلف با اینکه اتهام معروف و بی‌بنیاد
تجسیم را به هشام نسبت داده است (ص ۱۰۴)؛ تصریح می‌کند که
رافضه معتقد به تجسیم نبوده‌اند. اشعری در تبیین عقاید فرق، بسیار
متعادل تر از بغدادی و امثال اوست. بحث از خوارج و مرجئه در
صفحات بعدی آمده است و آنگاه به معتزله اشاره کرده است.
مؤلف تا صفحه ۳۲۰ به تبیین عقاید مختلف پرداخته و پس از آن به
تفصیل از عقاید خود - که سازنده و پردازنده مذهب اشعری است -
سخن گفته است. مجلد دوم کتاب، نقل اقوال عالمان فرقه‌های
مختلف است درباره مسائل فلسفی؛ از جمله مباحث: معرفت
شناسی، حرکت، ماهیت، جسم، انسان شناسی و... مباحث
فراوان دیگری نیز مانند امامت، ملائکه، صفات خداوند، اجتهاد و
تقلید، و مقولاتی دیگر از این دست، از جمله مباحث این کتاب
است.

۳۴- المقالات والفرق ((فرق الشیعة))

سعد بن عبدالله ابی خلف الأشعری القمی. تصحیح و تقدیم و تعلق
محمد جواد مشکور. مرکز انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۶۱.
اثر حاضر از جمله منابع کهن و بسیار قابل توجه در زمینه
شناخت فرقه‌ها و نحله‌های شیعه است. کتاب یاد شده اینک

سالهاست که مورد گفتگوست و هنوز محققان درباره چگونگی ارتباط آن با کتاب فرق الشیعه از حسن بن موسی نوبختی، وحدت نظر ندارند. برخی مانند عباس اقبال بر این باورند که فرق الشیعه نوبختی و کتاب حاضر، هر دو یک کتابند و مآلاً کتاب معروف فرق الشیعه از نوبختی نیست؛ ولی کسانی مانند شیخ فضل الله زنجانی معتقدند فرق الشیعه از نوبختی است. نکته قابل توجه، تشابه فراوان این دو کتاب است. گویانکه شیوه نقل و اقتباس در میان پیشینیان بسیار معمول بوده است؛ اما تشابه و تقارن به این گستردگی نمی تواند با توجه نقل و اقتباس موجه باشد. استاد محمد رضا حسینی جلالی ضمن مقاله پژوهشگرانه ای (تراثا، سال اول شماره اول، مقاله فرق الشیعه اوالمقالات الامامیه للنوبختی ام لاشعری ص ۲۷)، به این نتیجه رسیده اند که فرق الشیعه از نوبختی نبوده و نسخه ای ناقص از همان کتاب المقالات و الفرق است. گفتنی است که نوبختی در این زمینه کتابی داشته که شیخ مفید مطالبی را از آن در العیون والمحاسن آورده است، که آن مطالب شباهتی با فرق الشیعه موجود ندارد و این خود دلیلی است بر اینکه فرق الشیعه از آن نوبختی نیست.

این ندیم کتابی با عنوان الآراء والدیانات از نوبختی یاد می کند؛ ولی اضافه می کند که وی به اتمام آن موفق نشده است. در صورتی که کتاب چاپ شده، فرق شیعه را تا پایان آن، یعنی بعد از امام حسن عسکری -ع- دارد. با این حال گویا کتاب نوبختی در دسترس بوده است. اشعری احتمالاً کتاب را بین سالهای ۲۶۵ تا ۲۸۹ نگاشته است؛ زیرا در یک مورد مسائل بعد از امام حسن عسکری را آورده و در موردی دیگر عدم شوکت قرامطه را تصریح کرده است که با حمله سال ۲۸۹ قرامطه و بستن راهها و گرفتن مکه سازگاری ندارد.

فرق الشیعه نخست در استانبول به تحقیق دکتر ریتر و با مقدمه مرحوم علامه سید هبه الدین شهرستانی چاپ شد و پس از آن بارها به گونه افست منتشر شده است. اما المقالات والفرق اولین بار بر اساس دو نسخه موجود آن به تحقیق و تعلیق محمد جواد مشکور به سال ۱۳۴۱ منتشر شد. محقق، مقدمه ای مفصل بر کتاب نوشته و در ضمن آن افزون بر زندگانی مؤلف، راجع به کتاب نیز توضیحاتی آورده است.

پس از مقدمه متن کتاب از اختلاف امت بر سر امامت آغاز می شود و با نقل دیدگاههای مختلف معتزله و مرجئه و دیگران در این باره، تمامی فرق را در چهار فرقه شیعه، مرجئه، معتزله و خوارج خلاصه می کند. پس از آنچه یاد شد، کتاب یکسره درباره فرقه ها و

جریانهای شیعی است. نخست مسأله امامت مطرح شده و دیدگاههای مختلف زیدیه و امامیه و... در این باره بررسی شده است. تفرق فرق شیعه پس از علی -ع- در این کتاب آمده و نسبت به برخی از فرقه ها توضیحاتی سودمند یاد شده است. از جمله موارد سودمند کتاب، اطلاعات گرافقدری است که نسبت به ائمه شیعه، عقاید غلاة شیعه و منشأ اسماعیلیه در لابلا صفحات آن توان یافت.

مقدمه و تعلیقات ارزشمند محقق که در تکمیل و یا توضیح متن نگاشته اند، بر سودمندی کتاب افزوده است. به هر حال کتاب یاد شده از جمله متونی است که در شیعه شناسی کار آمده است و هیچ پژوهشگر و شیعه شناسی از درنگریستن و بهره گرفتن از آن بی نیاز نیست.

۳۵- المنیة والأمل فی شرح کتاب الملل والنحل

احمد بن یحیی بن مرتضی تحقیق تومازوند. هند، ۱۳۱۶ ق.
پیشتر، از این نویسنده در ضمن شناسایی کتاب البحر الزخار وی یاد کردیم. بر اساس آنچه محقق کتاب در مؤخره آن آورده است، مؤلف آهنگ آن داشته است که کتابی بنگار با عنوان غایبات الأفكار و نهایتات الأنظار المحیطة بعجائب البحر الزخار؛ در شرح باب اول از البحر الزخار که ویژه ملل و نحل است. مؤلف زیدی مذهب است و مآلاً چونان اعتزالیان می اندیشد؛ از این روی در این کتاب در اثبات اندیشه ها و آراء معتزله به جد می کوشد و سعی بلیغی به کار می بندد که رجال و شخصیتهای برجسته قرن اول را معتزلی جلوه دهد. اثر حاضر مشتمل بر مؤخره ای به انگلیسی و فهرست اعلام و کتابهاست. و چنانچه بخش انگلیسی آن - که گزارشی از احوال نویسنده و کتاب را به دست داده است - ترجمه می شد؛ به سودمندی کتاب افزوده می شد.

یادآوری این نکته نیز سودمند خواهد بود که مؤلف این کتاب از کتاب بلخی - که پیشتر یاد کردیم - فراوان بهره برده است. محقق کتاب فضل الاعتزال در مقدمه آن اشاره کرده اند که شرحهای دیگر احمد بن یحیی بر مطالب خویش، تحت عنوان کلی غایبات الأفكار در کتابخانه صنعاء در یمن موجود است. به هر حال کتاب حاضر از مصادر مهم در باب شناخت معتزله است و برخی اطلاعات منحصر به فرد دارد.

۳۶- الملل والنحل

محمد بن عبد الکریم شهرستانی (م ۵۴۸ هـ). تحقیق محمد بن فتح الله

نویسنده از عالمان مشهور قرن ششم هجری است و کتاب یاد شده مهمترین و مشهورترین اثر اوست. کتاب شهرستانی اطلاعات فراوانی در زمینه ملل و نحل به دست می دهد. مطالب وی جبهه گیری متعصبانه کمتر داشته و بیشتر، تبیین عقاید و آراء او را وجهه همت خویش ساخته است. گزارش وی از آغاز اختلافها از پییدگاه شیعه دارای نکات مثبتی است. مانند یادکرد ماجرای یوم الخیص، حبسنا کتاب الله و... کتاب شهرستانی با بحث درباره معتزله می آغازد و با نحل‌های معتزله و گزارشی از نکات برجسته عقاید آنان ادامه می یابد. سپس از جبرته یاد کرده است؛ و از جهیمه و نجارتیه و ضرارتیه به عنوان فرق آن. (ص ۸۳). عنوان سوم صفاتیته است که با توضیحی درباره مذهب اشعری می آغازد و با تبیین عقاید سران آن به گونه تطبیقی به مشبهه به عنوان دومین فرقه اشعری می پردازد. او در ضمن این بحث هشام بن الحکم را از مشبهه می داند که ما بارها ضمن این معرفی یاد کرده ایم که این اتهام به کلی بی اساس است (رک: تراثنا، شماره ۱۹، ص ۷. مقاله «مقوله جسم لا کالاجسام...») کرامیه را به عنوان گروه سوم مشبهه آورده است. بحث بعدی در باب خوارج است و فرقه های مختلف آن؛ که به سیر تاریخی آن از محکمه الاولی، از ارقه و شعبات دیگر توجه شده است. باب دیگر درباره مرجئه است که با معنای رجاء می آغازد و نکات قابل توجهی دارد. باب ششم درباره شیعه و فرقه های مختلف آن است که بیشترین صفحات کتاب را به خود اختصاص داده است. او کیسانیه را مانند دیگر عالمان اهل سنت از فرقه های شیعه شمرده است. در این باب تمجیدهای فوق العاده وی از محمد بن حنفیه قابل توجه است (ص ۱۳۳)، و در ادامه بحث، اباطیل ساخته و پرداخته ذهن ابن حزم را در ارتباط خرمدینی با شیعه آورده است (علامه امینی این مطلب شهرستانی را با مواردی دیگر در عالمانه و پژوهشگرانه به نقد کشیده است. رک: الغدیر، ج ۳، ص ۱۴۲). بحث بعدی نیز درباره زیدیه است و آنگاه امامیه. او در شمارش فرق امامیه به روشنی از دیگر ملل و نحل نگاران متأثر است؛ از این روی فرقه هایی را ردیف می کند که هرگز وجود خارجی نداشته اند. وی در باب غلاة به تفصیل سخن رانده است و تمام نسبتهای گفته شده را درباره آنان آورده که برخی از آنها مورد تردید است. اسماعیلیه پس از غلاة به گونه مستقل یاد شده اند. مطالب وی درباره اسماعیلیه از نکات تازه ای برخوردار است. کار تازه مؤلف تقسیم بندی فرق بر اساس فروعات و نیز اصناف مجتهدین «اهل حدیث و رأی» و اجتهاد و منابع آن است.

ترجمه ملل و نحل با عنوان توضیح الملل، از مصطفی خالقداد هاشمی و به تصحیح و تحقیق آقای سید محمد رضا جلالی نائینی، در دو مجلد منتشر شده است. همچنین رساله ای با عنوان تذکرة العقائد در دست است که محقق آن آقای دکتر مشکور معتقدند گزیده ای است مفید از ملل و نحل شهرستانی. این رساله در کتاب هفتادوسه ملت که از آن یاد خواهیم کرد، آمده است.

۳۷- هفتاد و سه ملت یا اعتقادات مذاهب

(نوشته شده در قرن هشتم یا نهم). مجهول المؤلف. تحقیق دکتر محمد جواد مشکور. تهران، مطبوعات عطائی، ۱۳۵۵.

رساله ای است مختصر در فرق اسلامی که براساس اظهار نظر محقق کتاب احتمالاً نویسنده آن از عالمان قرن هشتم یا نهم است. نویسنده صوفی مسلک است و کمتر در تکفیر دیگران سخن رانده است. اسامی بسیاری از فرق در این کتاب (براساس آنچه محقق کتاب گفته اند) تازه است. نشر کتاب بسیار شیرین، عالمانه و عارفانه و بسیار خواندنی است. در میان یاد کرد ملتها و نحلها، گاه جریانی غیر اسلامی، چون سوفسطائیه نیز آمده است. (ص ۸۳). همچنین برخی اصطلاحات وی نیز خود ساختگی است. مانند سابقیه، برای کسانی که به سرنوشت از پیش تعیین شده باور دارند و نیکی کردن و یا گناه نمودن را در آن مؤثر نمی دانند. به هر حال در این اثر از هفتادوسه فرقه یاد شده است. مؤلف خود را از اهل سنت و جماعت می داند و لذا پس از یادکرد هر فرقه، داوری آنان را در درستی و نادرستی فرقه ها می آورد. او در آخرین صفحه کتاب از فرقه ای موسوم به «ستییه» یاد می کند و به اعتدال و دوری آنان از افراط و تفریط تصریح می کند! و بدین سان حقانیت آنان را القا می نماید. کتاب حاوی جملاتی عربی است از قول تابعان و یا برخی از عالمان فرق و نیز آیات و اخبار همراه این کتاب. چنانکه بیشتر آوردیم. تذکرة العقائد نیز چاپ شده است.

